

نامه‌های رسیده

«هو الحق»

با سلام خدمت شما دست‌اندرکاران مجله استعدادهای درخشان و عرض خسته نباشید به شما عزیزان. غرض از نوشتن نامه این بود که خبر موفقیت‌های فراموش شدگان شیرازی داده شود. برایتان نوشته‌ام که بگویم که به خدا، ماهم مایه داریم. باور کنید ما هم افتخارات کمی نیافریدیم. لوح‌های تقدیر مربوط به مسابقات ورزشی، تأثر، سرود و... ارمغان دانش‌آموزان این مرکز به سازمان بوده است؛ اما صد افسوس که به غیر از موفقیت در درس و المپیاد بقیه افتخارات همه مردودند! نمی‌دانم چرا خبر هر فعالیتی در تهران و مشهد و اصفهان و... به سرعت در مجله منعکس می‌شود اما موفقیت دانش‌آموزان این مرکز در مسابقات علمی، شطرنج، کتاب و... (آنها در سطح کشوری) و راهیابی تعدادی از آنان در مسابقات استانی قرآن و کسب دیپلم افتخار در مسابقات نقاشی ژاپن بی اهمیت است که ارزش چاپ در «مجله معظم!» سازمان را ندارد. به خدا که از بی‌آبی پژمرده‌ایم و ریشه‌هایمان هم دیگر رمقی برای کاوش آب ندارد و نزدیک است که خودمان هم خود را فراموش کنیم؛ البته قلم را یارای آن نیست که همه مصائبی که بر سر ما فرود آمده را شرح دهد و باید بیایید و ببینید که «شنیدن کی بود مانند دیدن»

در آخر سخنان برادر آق‌ای فخار زاده (که در شماره ۲ سال ۲ چاپ گردیده است) را تکرار می‌کنم تا بدانید که نه تنها دختران شیراز بلکه پسران هم باور دارند بی‌وجودند و چشم و امیدشان اول به خدا و بعد به شماست. تقاضا داشتیم که این نامه تماماً چاپ شود و لطفاً از گذاشتن علامت... به جای نام شیراز خودداری شود. این اولین، کمترین و درعین حال طبیعی‌ترین خواهش ماست. ما شما را و مجله را به عنوان آخرین پناه خود می‌دانیم. آگاهیم که شما همه بچه‌های مراکز ایران را به یک چشم می‌بینید و قطعاً باید چنین باشد. خداوند لطف کرده است مسئولیتی را به شما اهداء کرده است و شما موظفید به ناله‌ها و خواهش‌های منطقی زیردستان خود عمل کنید. مولا علی نیز به مالک می‌فرماید:

«دستی به سوی دلشکستگان دراز کن و آن غمکده‌های ویران را آباد کن. در دل‌های شکسته، جمال ابدیت جلوه می‌کند. آری قلب شکسته عرش خداست. پس هر آنکس که سراج ویران را تعمیر کند، کعبه مقدس را آباد ساخته است»

سپاسگذارم. ب.م.

«مرکز آموزشی فرزندان شیراز»

استعدادهای درخشان: خواهر عزیز، حذف نام شهر، بجز در مواردی معدود، عمدتاً به درخواست نگارنده نامه است. از طرف دیگر علم

غیب هم نداریم تا موفقیت کشوری یک مرکز را متأسفانه در رسانه‌ها بدون ذکر مرکز اعلام می‌شود اعلام کنیم، و سوم اینکه موفقیت‌های استانی فرزندان سازمان آنقدر زیاد است که یک نشریه جداگانه را می‌طلبد البته به صورت غیر مستقیم با درج نامه شما، موفقیت‌های شیراز را ذکر کردیم.

سازمان محترم پرورش استعدادهای درخشان

با سلام، مطلع شدم که آن سازمان محترم اقدام به برگزاری اولین دوره مسابقات «شیمی سمپاد» کرده است. اینجانب از طریق دوست فرزندم یک نسخه از سؤالات را دریافت نمودم. از اینکه می‌بینم بار دیگر یک نوآوری در آموزش و پرورش رخ داده

است بسیار خرسندم. بنده با حدود دو دهه سابقه، در آموزش و پرورش کشور، این اولین باری است که از برگزاری یک کار احساس رضایت دارم. از ریاست محترم سازمان که بنده با شناختم از ایشان همواره مشوق و پرچمدار اینگونه حرکتها می‌باشند متشکرم و استدعا دارم در صورت امکان این قبیل برنامه‌ها، دانش‌آموزان مستعد در خارج از سازمان را نیز در بر گیرد. در ضمن از اینکه مشکلاتی در سر راهتان پیش می‌آید نگران نباشید. همیشه حرکت نو برای متحجرین سخت است. خدا پشت و پناهتان.

ابراهیمی

رئیس محترم اداره سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

جناب آقای دکتر اژه‌ای

من یکی از دانش‌آموزان دبیرستان فرزنانگان مشهد هستم.

از شما تقاضا دارم به دو مسئله‌ای که نه تنها من بلکه اکثر دانش‌آموزان با آن مواجه هستند رسیدگی فرمایید:

۱- خواهشمندیم همانند سالهای گذشته مسابقات علمی بین دبیرستانهای تیزهوشان کشور برگزار شود. زیرا برگزاری این مسابقات، سنجشی برای ماست که از وضعیت خود آگاه شویم (امسال تنها مسابقات علمی آینده سازان بوده که ما در آن شرکت داشتیم).

۲- متأسفانه دبیرستانهای تیزهوشان کشور با هم هماهنگ نیستند و اینطور نیست که همه از یک جزوه یا کتاب مرجع (به عنوان مثال درس فیزیک یا شیمی) برای تدریس استفاده کنند و در امتحانات سراسری که سئوالات از شهر تهران می‌آید ضعف ما در جواب دادن به سئوالات و پایین بودن سطح معلومات ما نسبت به مطالبی که از ما می‌خواهند کاملاً واضح است. زیرا دبیران محترم دقیقاً نمی‌دانند روی چه مسائلی تأکید کنند و چه مطالبی را خارج از بحث کتاب درسی عنوان کنند، از شما تقاضا داریم که به این مسئله نیز رسیدگی کنید.

در پایان از زحمات شما برای بهبودی کار سازمان و همچنین ترتیب دادن مسابقاتی مانند سمپاد (که اگر در مورد همه دروس اختصاصی برگزار می‌شد خیلی بهتر بود) تشکر می‌کنم.

فاضلی

۷۴/۴/۷

استعداد‌های درخشان: مبنای امتحانات سازمان، جزوات مصوب ارسال شده از تهران می‌باشد. از کتب درسی هم جهت هر مقطع امتحانی، مشخص است چه فصلهایی باید تدریس شود. آنچه خارج از کتب درسی و محتواهای تکمیلی و متون ابلاغ شده در امتحانات می‌آید، خارج از مقررات سازمان می‌باشد.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

با عرض سلام و خسته نباشید امید اینکه در زیر سایه الطاف باری تعالی مؤید موفق بوده باشید انشا...

اینجانب مهدی واحدی یکی از خوانندگان علاقمند مجله استعداد‌های درخشان هستم. چون چند تا دوست از همین مؤسسه دارم لذا با توجه به رشته مورد علاقه خود یعنی علوم پایه بالاخص فیزیک همیشه یکی از علاقمندان این مجله می‌باشم، واقعاً که دستتان درد نکند. کاری کردید کارستان. خدا به شما اجر جزیل دهد.

بنده در دانشگاه امام حسین (ع) رشته مهندسی هوا و فضا می‌خواندم ولی به دلیل عدم گرایش این رشته به فیزیک نظری و ستاره شناسی، از آنجا انصراف دادم و فی الحال برای طی کردن خدمت آماده می‌شوم ولی در هیچ حال از مطالعه فیزیک سیر

نمی‌شوم و تنها عشق من همین فیزیک و تأمل در کنه قوانین الهی می‌باشد. بنده امیدوارم که این مؤسسه با تربیت نیروهای متعهد و متخصص بتواند سرمایه علمی سالم برای این کشور عزیز و شهید پرور ذخیره کند. انشا...
بنده خواهشمندم که حقیر را به جمع مشترکین سرفراز کنید و راهنماییهای لازم را مبذول دارید. قبلاً از زحمت شما سپاسگزاری می‌شود.

مهدی واحدی

با نام خدا

من علی تجزیه‌چی هستم. باید بگویم من مانند دیگران اصلاً قصد تملق و چاپلوسی ندارم بلکه می‌خواهم شما و سازمان ناموفق‌تان را زیر سؤال ببرم. مدتهاست هرچه به شما گفته شده و برایتان نوشته شده خوشایند بوده است ولی این دفعه همه چیز متفاوت است. من در این کار ابتکاری شما هیچ نقطه روشنی نمی‌بینم. مگر در کدام لنگه دنیا دانش‌آموزان را از یکدیگر تفکیک می‌کنند و برجسب خنگ و باهوش به آنان زده می‌شود که شما این کار را انجام داده‌اید؟ باور کنید که نه تمام کسانی که در این مدارس قبول می‌شوند هوشیارند و نه تمام کسانی که قبول نمی‌شوند بیهوش. آزمون ورودی شما بر اساس معیار درستی برگزار نمی‌گردد. به نظر اینجانب وزیر آموزش و پرورش دیگر زیادی است. چون دانش‌آموز مستعدی در مدارس عالی باقی نمانده است و اگر هم مانده باشد دیگر شور و شوقی برای تحصیل ندارد. بهتر است که مدارس دولتی تعطیل گردند.

پس وعده و وعیدهای شما در پرورش استعدادهای درخشان چه شد؟!

در کارزار کنکور بچه‌های بی استعداد (به قول شما) مدارس عادی، دانش‌آموزان مستعد (به قول شما) سازمان را پشت سر می‌گذارند چرا؟! اینها همه از سؤالاتی است که شما قطعاً در پاسخگویی به آن با مشکل روبرو خواهید بود. هر گونه دفاعیه‌ای که داشته باشید می‌توانید به آدرس زیر ارسال فرمایید. (اگر نفرستید بر عدم موفقیت سازمان خود صحه گذارده‌اید). برایتان از خداوند بزرگ طلب توفیق دارم. والسلام.

همدان - علی تجزیه‌چی

۱۳۷۴/۲/۲۸

استعدادهای درخشان: قسمتهای عمده این نامه را ذکر کردیم ولی چند نکته با خوانندگان: الف: هیچگاه سازمان مدعی نشده است هر که

در این مدارس است باهوش و بقیه بی‌هوش هستند. ب: موفقیت مراکز سازمان صرفاً در همین مجله چاپ می‌شود و شهروندان ایران اسلامی به صورت عام و ملی از این موفقیتها مطلع می‌گردند. ج: مجموعه‌ای از تلاش‌های مستمر در نظام آموزشی عمومی کشور در تلاشند تا از طریق مختلف به رشد و شکوفایی استعدادهای این مرز و بوم بپردازند. ما خود را در درون این مجموعه می‌دانیم و اول و آخر شدن در کنکور، المپیادها، ... نتایج فرعی این تلاش هستند. اگر این افراد ریشه در این خاک داشته باشند و خود را مدیون ملت نجیب و تلاشگر و وفادار به آرمانهای انقلاب بدانند فرداهای روشن در انتظار ایران اسلامی است و گر نه این اول شدن‌ها هم یک دلخوشی زودگذر خواهد بود و محصول دسترنج علمی ما نصیب دیگران خواهد شد، چنانچه هوشیاری خود را به ستیزه‌گری تبدیل کنیم.

بنام خدا

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما دست‌اندرکاران محترم مجله استعدادهای درخشان. مجله خواندنی شما در دو سال اول از طریق مرکز آموزشی به دستمان می‌رسید اما از سال سوم این ارتباط قطع شد و در هر فصل فقط یک جلد، آن هم برای کتابخانه فرستاده شد.

پس تصمیم گرفتیم از طریق فرمهایی که در مجلات پیشین قرار داشت برای بدست آوردن مجله‌های سال سوم اقدام کنیم. قصدم از نوشتن این نامه این بود که خواستم سؤال کنم که چگونه می‌توانیم مجله مربوط به هر فصل را در همان فصل بدست آوریم در حالیکه مدرسه در این مورد اقدام نمی‌کند؟
با کمال تشکر

سارا باقری
دانش آموز سال دوم دبیرستان
مرکز آموزشی فرزندگان کرمانشاه

استعدادهای درخشان: ما جهت کلیه کتابخانه‌های مراکز، مجله را رایگان ارسال می‌کنیم ولی متأسفانه بعضی از مراکز بدون هیچ دلیلی ارتباط دانش‌آموزان با مجله را جدی نمی‌گیرند. البته یک نکته را هم باید تذکر دهیم که همیشه مجله در آغاز فصل بعد به دست شما خواهد رسید.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

با عرض سلام و خسته نباشید

بنده جزو دانش‌آموزانی هستم که از اول دوره راهنمایی وارد سازمان شدم و الان دیگر تقریباً تحصیلاتم رو به پایان است. یکی از کارهای بسیار خوبی که در مدرسه ما صورت گرفت این بود که مجلات سازمان را مجاناً در اختیار دانش‌آموزان قرار دادند.

شماره آخری که به دستم رسید؛ آنرا ورقی زدم و حرفهایی به ذهنم رسید که بهتر دیدم مطرح کنم. در بخش پرسشها، یکی از بچه‌ها سؤال کرده بود که: «آیا بهتر نبود که نام سازمان ما سازمان ملی پرورش استعدادهای ریاضی باشد؟». و جواب داده شده بود که: «نه ما در رشته علوم تجربی هم فعالیت داریم!»

شاید شما با خواندن همین یک مجله تا ته صحبت من را رفته باشید و شاید این بحث برایتان تکراری باشد اما بهر حال هر چه هست حرف دل من است:

ما در کلاس‌مان - من و دوستانم - همه مشترکاتی از نظر فکر داریم و هم از نظر درسی در یک سطحیم یعنی همه تقریباً ضعیفیم. چیزی را هم که به قطع می‌دانم و نسبت به خودم و آنها مطمئنم این است که از نظر هوش و استعداد چیزی از خوبهای کلاس کم نداریم. اشکال کار خودمان را هم خوب می‌دانیم:

ما به کارهایی که دیگران اسمش را می‌گذارند «فوق برنامه» خیلی مشغولیم. یکی شعر زیاد می‌خواند، یکی شعر می‌گوید، یکی فیلم می‌بیند و... اما فرقی که بین نظر ما و نظر دیگران - بخصوص اولیاء خودمان و مدرسه - است این است که در حقیقت برای ما درس فوق برنامه محسوب می‌شود.

صحبت این است که به درس علاقه نداریم. صحبت این است که دیدمان نسبت به دنیا یک جور دیگری است. ارزشهایمان فرق می‌کند.

و اینجا رک و راست بگویم که تقصیر شماست. مگر همه مستعدا باید ریاضی یا فیزیک یا زیست شناسی بخوانند؟ شاید جواب دهید خوب وارد سازمان نشوند. اما من می‌گویم چرا سازمان باید تک بعدی نگاه کند. بهر حال من که وارد سازمان شدم با احتمال بالایی آینده شغلی اجتماعی تأمین است اما من می‌گویم آیا وقت آن نیست قدری هم به نیازهای واقعی جامعه برسیم؟ بهر حال همیشه و همه جا استعدادهای ریاضی پیدا می‌شود اما ما حواسمان نیست استعدادهای ادبیات نادرند، استعدادهای هنری نادرند.

در دوره‌ای که هر کس کتابهای صادق هدایت زیر بغلش باشد روشنفکر نامش می‌نهند، آیا نیاز به نویسنده تیزهوش، شاعر تیزهوش یا منتقد تیزهوش نداریم؟ مگر صادق هدایت که بود؟ البته نمی‌خواهیم او را نفی کنیم اما خوب؛ جو دوره اش بشکلی بود که نتوانست «راه» پیدا کند. آنقدر سرگشته و حیران و تشنه بود که به هند رفت و «تنتر» را شناخت. چرا؟ چون روی منبع سرشار خودمان «اسلام» آنقدر گرد و غبار نشسته بود که نتوانست حقیقت آنرا ادراک کند. از همین قماش فروغ فرحزاد...

اما فروغ فرحزاد با همه گمراهی‌اش در یکی از مصاحبه‌هایش با مجله آرش می‌گوید: سرودن یکی شعر خوب همانقدر دشوار است که یک اختراع علمی و من می‌گویم نه تنها مشکل بلکه مهم و حیاتی است زیرا شعر جهت دهنده فکری است. ایده می‌دهد، آدم می‌سازد... بعد ما با این فرهنگ غنی، در حالی که به چنین طرز تفکرهایی در شعر رسیده‌ایم انصاف نیست این جمله از آقای «رضا امیرخانی» در مجله سازمان چاپ شود که: «در شعر من حتی ممکن است فولکس واگن هم پیدا شود.» زیرا هنرمند وقتی پا به عرصه گذاشت باید آنقدر خود را تربیت بکند و آنقدر خود را مسئول بداند که به هنر احترام بگذارد. برود ارزش آنرا درک کند و مسئله مهم دیگر مخاطب است. جامعه و مخاطبان هر شاعر هم باید افکار او و اشعار او را پالایش کنند...

اگر ریشه‌ای بنگریم، می‌بینیم ریشه خیلی از مسایل دیگر هم اینجاست چرا با این همه زمانی که از انقلاب گذشته هنوز هر سال سیل کاستها و نوارهای مبتذل فراری‌های رژیم گذشته وارد می‌شود به شکلی که از ناگزیری اول ویدئو غیر مجاز و بعد چون فایده‌ای نداشت آزاد شد؟ آیا باید در مرزها جلوی آنرا گرفت؟ آیا احتیاج به مجازات است؟ نه همینطور هم که بارها گفته شده نسلی باید تربیت شود.

اما چگونه؟ نسل جوان ما امروز آنقدر ساده پسند و تبیل‌بار آمده که اگر از آنها سؤال شود که موسیقی چیست مطمئناً درصد بالایی آنرا وسیله‌ای برای تفریح و تفنن و تفرج بیان می‌کنند... در صورتیکه موسیقی به دلیل هنر بودنش مشکل‌تر از اینهاست. یک قطعه موسیقی اگر اصالت داشته باشد وقتی اثر خودش را می‌بخشد و احساس سازنده خود را القا می‌کند که شنونده با دقت از اول تا آخر آنرا گوش کند و حتی چند بار... موسیقی چیزی نیست که بتوان آنرا ضمنی و در کنار دیگر از آن استفاده کرد. باید برای آن وقت گذاشت و شنید...

آری حرف آخر اینکه این ذهن مخاطبان هنر است که باید توسط هنرمندان متعهد، ماهر و مستعد تربیت شود تا خود آنها حامی هنر باشند و آنوقت است که دیگر مغزهای ما از کشورمان فرار نمی‌کنند، وجدان کار در مردم بوجود خواهد آمد، دید مردم گسترده‌تر خواهد شد و نه تنها در برابر جامعه، در برابر خدا هم احساس مسئولیت خواهند کرد.

آری در این عرصه جای سخن بسیار است ولی اگر گوش شنوایی برای حرفهای ما باشد همین قدر کفایت می‌کند و می‌تواند جرقه‌ای باشد برای تحقیق و تفحص و فعالیت، بهر حال چیزی که مسلم است نیاز به شناخت و تصفیة منابع غنی فرهنگی و تربیت کسانی که جهت دهنده مردم در سطح گسترده باشند، روز بروز بیشتر احساس می‌شود.

با تشکر

یک دانش‌آموز ایرانی

استعدادهای درخشان: سازمان به بخش اساسی از نیاز علمی ایران اسلامی توجه دارد، این توجه دلیل بر کم ارزش بودن و کم اهمیت بودن بخشهای دیگر نیست. سرپرست محترم سازمان بارها در جمع اولیاء دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی آمادگی سازمان را برای گشایش دوره علوم انسانی اعلام نمودند که اعتراض اولیاء را بدنبال داشت که بچه‌های ما را بدبخت نکنید! وقتی این نگرش وجود دارد، کسی که جزو دویست نفر اول کنکور فنی است پس از چند سال درس نخواندن تعمیدی، بالاخره به رشته مورد علاقه‌اش با دهها مشکل روی می‌آورد. سازمان در دو سال متوالی، کنکور علوم انسانی را مجزا برگزار کرد ولی آنکه آمده بود به عنوان «زیرگذر» می‌خواست جواز ورود به مراکز را بگیرد. از آنهمه داوطلب به اندازه انگشتان یکدست هم جهت علوم انسانی نماندند. اکنون در نظام جدید زمینه باز است. سال اول همه دانش‌آموزان با هم یک تعداد واحد را می‌گذرانند و از نیمسال سوم رشته‌ها انتخاب می‌شود. در جمع مدیران به مراکز که امکان داشته باشند، اعلام شده است می‌توانند علوم انسانی هم داشته باشند. آنچه را ما به عنوان وظیفه خود نمی‌دانیم هدایت به سوی پزشک شدن است. چون این راه را بدون تشویق اکثراً خود می‌روند؛ «روایت» را هم به عنوان یک ضمیمه دائمی مجله با هزینه‌ای نسبتاً سنگین بدین خاطر منتشر می‌سازیم و به مشترکین مجله هدیه می‌کنیم. می‌ماند بعضی از اشکالات اجتماعی که در هیچ جای دنیا، در یک محل حل نمی‌کنند و توقع حل آنرا هم در صورت عهده‌دار بودن مسئولیت از یک «جا» انتظار ندارند اگر چه، در مکاتبات و خطابه‌ها انتظار آنرا داشته باشیم.

○ ○ ○

نامه‌ها و نوشته‌های شما عزیزان دریافت شد، متشکریم:

- ❑ اراک: دانش‌آموزان سال چهارم و همنظور ل.. ط/مرکز فرزندگان
- ❑ ارومیه: پریزاد آبرون/مرکز فرزندگان
- ❑ اصفهان: جمعی از دانش‌آموزان سال چهارم تجربی/مرکز فرزندگان امین
- ❑ اهواز: تابان بهتابش/مرکز فرزندگان/م. باورساق
- ❑ بیرجند: هدیه زینلی/مرکز فرزندگان
- ❑ تبریز: شهرام بنا زاده/حکیمه امینی
- ❑ تهران: پرنیاز بنی/نیمافرقاندوست حقیقی/محمد حسین بروج از مرکز تربیت معلم شهید بهشتی.
- ❑ خرم‌آباد: ش..ب. /مرکز فرزندگان
- ❑ رشت: نازنین کریمی/مرکز فرزندگان
- ❑ زنجان: دانش‌آموز سال سوم تجربی/مرکز فرزندگان
- ❑ قائمشهر: عده‌ای از اولیاء مرکز فرزندگان/رهام ایزدی/مرکز شهید بهشتی
- ❑ قزوین: آرش میرزایی/مرکز شهید بابایی/عده‌ای از دانش‌آموزان سال سوم و چهارم/مرکز فرزندگان
- ❑ کرج: دانش‌آموز عصبانی/مرکز فرزندگان
- ❑ مشهد: نرگس شاکری
- ❑ همدان: علیرضا ابوترابی
- ❑ یزد: آزاده مستعانی/مرکز فرزندگان

○ ○ ○